

تأثیر اندیشه‌های کلامی شیعه بر ساختار سیاسی صفویه

سید سهراب حسینی^۱، ابوالفضل فارسی^۲، مهشید ذاکری^۳

^۱ کارشناسی آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید مطهری شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور آباء، آباء، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی مشاوره، موسسه غیر انتفاعی فاطمیه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

در اوائل قرن دهم واقعه‌ای بسیار مهم در تاریخ ایران رخ داد که نقطه عطفی در تاریخ تشیع محسوب می‌شود. این واقعه ظهور حکومت صفویان بود، این خاندان توانستند بر چند پارگی ایران پایان دهند و یک حکومت ملی را در سرتاسر ایران حاکم کنند که تاکنون جز در یک مقطع کوتاه، دستخوش سلطه مستقیم بیگانگان قرار نگرفته و به صورت کشوری مستقل با هویت ملی حفظ شده است. در این دوره به دلیل احتیاج کشور به قوانین شریعت بر مبنای فقه شیعه، شاهان صفوی علما را شریک حکومت قرار دادند و با تعیین مناصبی چون صدارت برای رتق و فتق امور دینی و فتوا و موقوفات و قاضی برای قضاوت در امور مدنی، روحانیت شیعه را در کارگزاری دولت شیعی وارد کردند. با توجه به اهمیت تشیع در دوره صفویه ما در این تحقیق به روش تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای- مروری به بررسی تأثیر اندیشه‌های کلامی شیعه بر ساختار سیاسی صفویه می‌پردازیم. نتایج بدست آمده از بررسی یافته‌های مقالات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های الکترونیکی حاکی از آن است که دولت صفویه از همان دوران اول شکل‌گیری، تشیع را محور حکومت خود قرار داد و شاهان در پی آن بودند تا با رسمیت یافتن مذهب شیعه، بتوانند تعاملی میان نهاد سیاسی و نهاد مذهبی به وجود آورند. وجود این تعامل و برخی اندیشه‌های بیان شده توسط روحانیان سبب شد که حکومت بتواند درگیری‌ها از هرج و مرج جلوگیری به عمل آورد؛ ولی در مقابل افرادی بودند که مخالف این امر بودند و این رابطه را بی‌اثر می‌دانستند.

واژه‌های کلیدی: صفویه، تشیع، ساختار سیاسی

مقدمه

حکومت صفویه در سال ۹۰۷ قمری در ایران توسط شاه اسماعیل صفوی تاسیس گردید. در این دوره یکپارچگی کشور با سرکوب حکومت‌های ملوک الطوایفی صورت گرفت که به دنبال آن شاه اسماعیل بر تخت پادشاهی نشست. از دستاوردهای مهم این دوره می‌توان به رسمی شدن مذهب شیعه، اهمیت به علم و دانش و پرورش دانشمندان بزرگ و توسعه هنر و معماری اشاره کرد (صفائی قله زو، ۱۴۰۰). دوران حکومت سلسله صفویه در ایران یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی پس از اسلام است. صفویه، نخستین سلسله ایرانی‌تبار پس از ۹۰۰ سال از سقوط ساسانیان، توانستند بر ایران مسلط شوند و پادشاهی را احیا کنند. در ساختار اجتماعی صفوی، شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و تمامی امور کشور به دست او اداره می‌شد. پس از شاه، وزیر و سپس علما قرار داشتند. طبقات اجتماعی به ترتیب شامل پادشاه و دربار، علما، زمین‌داران و بازرگانان، و در نهایت پیشه‌وران و کارگران بودند (مردانی، ۱۴۰۳). تشکیل حکومت صفویه در ایران، به دلیل تأثیر تعیین‌کننده‌اش بر سرنوشت ایران، سرزمین‌های اسلامی، مهم‌ترین اتفاق بود که در سال‌های آغازین قرن ۱۰ هجری در تاریخ جهان رخ نمود (سیستانی شمس‌آبادی، ۱۴۰۱). رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و ایجاد نخستین قلمرو بزرگ شیعی و به دنبال آن شکل‌گیری و توسعه نهادهای مرتبط با حوزه دین و متولیان آن و هم‌چنین تعاملی که میان نهاد سیاسی و نهاد مذهبی ایجاد شد، همگی اهمیت این دوره را بیان می‌کنند. از این رو علمای آن عصر و حکومت صفوی، آغازگر دوره نوینی در شکل‌گیری ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها در جامعه ایران و حتی دیگر سرزمین‌ها، علی‌الخصوص سرزمین‌های قلمرو شیعی بودند (حسنی، ۱۳۹۹). تأسیس حکومت صفویه و برخی اقدامات آن مانند اعلام تشیع اثناعشری به عنوان آیین رسمی ایران و رویارویی با حکام سنی مذهب همسایه، شماری از فقها و علمای شیعه امامیه را بر آن داشت که به تفکر و بحث درباره مشروعیت سیاسی این حکومت و جواز همکاری یا عدم همراهی با آن بپردازند. در دوران صفویه، پاره‌ای همکاری و همگرایی‌های متقابل بین نهاد سیاست با نهاد مذهب شکل گرفت و بعضی مجتهدان به مناصب و مشاغلی چون تولیت امور شرعی و منصب صدر یعنی بالاترین مقام دینی و قضایی منصوب شدند. چنان که کمپفر می‌نویسد: اعمال قانون به دست قضات شرعی است. حتی در نواحی کوچک‌تر نیز همیشه یک قاضی شرع حاضر است؛ زیرا اسناد قرارداد حقوقی، مدنی و فرمان‌های شاه و تمام چیزهایی که در جامعه ایرانی ناگزیر باید به صورت مکتوب انجام پذیرند، فقط هنگامی قوت قانونی می‌یابد که به مهر قاضی شرع رسیده باشد (مشیرزادی، ۱۳۹۷). به یمن وجود این دولت، تشیع در سراسر ایران انتشار یافت و شیعیان، پس از قرن‌ها توانستند با آزادی کامل به انجام اعمال و شعائر مورد قبول خود بپردازند. در مجموع، فرهنگ غنی شیعه با حمایت علما و فقها و فلاسفه و عرفای شیعه، روزه روز بارورتر شده و تا به امروز توانسته است که بر غنای خود افزوده و در صحنه سیاسی جامعه ایران حضور قاطع خود را برای هدایت مردم، حفظ کند. اهمیت دادن دولت صفوی به تشیع و توجه ویژه به علمای شیعی مذهب و حمایت از علمای مذهبی باعث شد که به تدریج علما در امور اجتماعی و سیاسی مملکت مؤثر واقع شوند و این تأثیر و نفوذ در دوره طهماسب اول و حسین اول به اوج خود رسید. با رسمی شدن مذهب تشیع در دوره صفویه، علما توانستند جایگاه مهمی در جامعه به دست آورند و با حمایت شاهان صفوی، این موقعیت را حفظ کنند. در این دوره، بخشی از قدرت سیاسی به روحانیت شیعه واگذار شد و نهاد دینی هرگز در مقابل حکومت قرار نگرفت. روحانیت در نظام سلطنتی صفویه نقش‌های مهمی ایفا کرد و از وحدت اجتماعی و نظم سیاسی حمایت کرد. اما با سقوط صفویه، پیوند روحانیت با دولت گسسته شد و افغان‌های سنی و نادرشاه افشار تلاش کردند مذهب شیعه را از قدرت دور کنند. در دوره کریم‌خان زند، تلاش‌هایی برای احیای مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور صورت گرفت، اما این اقدامات کافی نبود (مردانی، ۱۴۰۳).

میرزاده (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان نقش متولیان مذهبی و فرهنگی در بحران‌های زیستی عصر صفوی با تأکید بر نقش سید نعمت‌الله جزایری دریافتند که روحانیون شیعه از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار و در تحولات گوناگون عصر صفوی بسیار

تأثیرگذار شدند. یکی از چالش‌های موجود عصر صفوی که البته چالش جدی همه حکومت‌ها محسوب می‌شود، بحران‌های زیستی است که روحانیون شیعه در مقابله با آن نقش مؤثری داشتند. سید نعمت الله جزایری روحانی برجسته اواخر عهد صفوی است که سعی کرده تا با تألیف کتاب و راهنمایی مردم با بحران زیستی امراض واگیردار مثل طاعون مقابله کند.

نتایج مطالعه کرمی و امیری (۱۴۰۰) با عنوان کارکرد هویتی مذهب در عینیت بخشیدن به مرزهای جغرافیایی ایران در عصر صفوی نشان می‌دهد در این دوره است که برای نخستین بار عاملی فرهنگی-سیاسی به نام هویت دینی توانسته به تنهایی سرحدات و نواحی پیرامونی ایران را از غیرایران جدا کرده و کم و بیش موجودیت آن‌ها را تا تکوین دولت مدرن در ایران تضمین نماید.

صفویه یا صفویان (۱۳۳۵-۹۰۷ ق) سلسله‌ای از حاکمان ایران که با رسمی کردن مذهب شیعه در ایران کوشیدند هویتی یگانه به مردم ایران ببخشند و در نتیجه نخستین حکومت شیعه در سراسر ایران را شکل دادند. دوره صفویه یکی از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌آید چرا که با گذشت نهصد سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانی یک دولت متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید و تمام ایران را زیر پوشش خود قرار دهد و میان تمام نواحی و مناطق جغرافیایی در آن دوران یکپارچگی پدید آورد (ذوالفقاری، ۱۳۹۹). این حکومت در پایان دوره‌ای از تهاجم‌های مکرر، آشفتگی‌های سیاسی، عدم مرکزیت و ثبات و ناامنی در ایران شکل گرفت. مهم‌ترین وجه تمایز حکومت صفویه با دیگر حکومت‌ها که در ایران ایجاد شدند، بهره‌گیری از مبانی و اصول مذهب تشیع بود. بنیان‌گذاران حکومت صفویه با استفاده از ظرفیت‌های تاریخی تشیع، جنبشی به راه انداختند که با کنار زدن سایر جریان‌ها موفق به تأسیس حکومت شدند. صفویان در همان آغاز تأسیس با رسمی اعلام نمودن مذهب تشیع پایه دولت خود را بر مبانی این مذهب بنا کردند (علیشاهی، ۱۳۹۹).

مبانی نظری

حکومت صفویه

حکومت صفویه یکی از حکومت‌های مهم تاریخی ایران محسوب می‌شود که پس از یک دوره فترت طولانی در سال ۹۰۷ قمری در ایران شکل گرفت و منشاء تحولات مهمی در ابعاد داخلی و خارجی گردید. با توجه به این که پس از فتوحات عرب مسلمان و سقوط سلسله ساسانی تا روی کار آمدن صفویه، حوادث و رویدادهای زیادی در ایران شکل گرفت که منجر به فقدان نظم و نظام سیاسی متمرکز و قوی مبتنی بر نیروی داخلی در ایران گردید؛ باید گفت صفویان اولین کسانی بودند که توانستند این مهم را جامه عمل بپوشانند و چون آن‌ها حکومت و تشکیلات سیاسی و اداری خود را جایی بنیان نهادند که قرن‌ها حکومت ملوک الطوائفی وجود داشت و یا به وسیله مهاجمان ساختار حکومتی شکل گرفته بود، اهمیت کار صفویان بیشتر نمایان می‌گردد. در این میان عملکرد شاهان اولیه صفوی، به ویژه شاه اسماعیل و شاه طهماسب بسیار قابل توجه می‌باشد. شاه اسماعیل که بنیان حکومت جدید را نهاد و شاه طهماسب که آن را تثبیت نمود، توانستند با استفاده از مذهب تشیع ایران را متحد و یکپارچه نمایند. اقدامی که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود؛ زیرا تمام توان ایدئولوژیک مذهب تشیع را به خدمت دولت جدید درآورد و به شاه صفوی امکان داد تا بر مشکلات آغازین غالب آمده و کشور را از بحران‌های اولیه عبور دهد. هر چند که شاه اسماعیل در آغاز با سیاست جنگ و استیلاء بر ایران حاکم شد؛ ولی به مرور زمان و بنا به دلایل مختلف تغییر روش داده و حکومت صفویه از قالب حکومت جنگ و استیلاء به حکومت پایدار و تثبیت نهادهای حکومتی تغییر شکل یافت. سلسله صفویه از سال ۹۰۶ هجری قمری آغاز شد و تا سال ۱۱۴۸ هجری قمری دوام یافت. صفویان مانند اسلاف خود بر اساس سیاست

جنگ و استیلاء حکومت بر ایران را به دست آوردند. چنان که وضعیت قبیله‌ای و چادر نشینی که درباره اکثر سلسله‌های حاکم بر ایران تا دوران صفویه دیده می‌شود، درباره این سلسله نیز صادق است. حکومت صفویه دارای ویژگی‌هایی بود که موجب می‌شد این دوره به عنوان نخستین دوره شک گیری حقوق اساسی در ایران بشمار آید. در عصر صفویه ایرانی متحد با جغرافیای سیاسی مشخصی بنیان‌گذاری شد. سلسله صفویه در ایران مظهر نخستین حکومت دینی و ملی ایران بود و در این دوره، هویت ملی برای دولت و مردم ایران پس از سال‌ها دوباره احیاء شد و از سقوط دولت ساسانی تا روی کار آمدن دولت صفویه، ایران به لحاظ جغرافیای سیاسی و از نظر قلمرو و تمامیت ارضی، فاقد شاخص‌های تعیین کننده‌ای بود. چنانچه گفته شد پس از نزدیک نهصد سال از سقوط امپراطوری ساسانی این صفویان بودند که یک دولت متمرکز ایرانی و یک دولت ملی را پایه‌گذاری کردند؛ دولتی که تا امروز تغییر مذهبی کلانی در آن پدید نیامده است. از جمله مهم‌ترین تغییرات در نظام حقوقی عصر صفوی، رسمیت یافتن فقه امامیه بود. طرفداری سلسله سلاطین صفویه در حمایت از عقاید، مراسم، شعائر و مقدمات تشیع در تاریخ سیاسی ایران بی‌بدیل است. از این رو شاخصه اصلی دوره صفویه رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در ایران و نیز در کنار آن، نفوذ و قدرت قابل توجه علمای شیعه در دستگاه حکومتی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر صفوی، تلاش برای کسب مشروعیت از سوی سلاطین صفوی است. در طول تاریخ صفوی ما شاهد مشروعیت طلبی سلاطین صفوی از طریق جلب نظر فقها و اعلام نیابت از فقها به عنوان نایبان امام زمان (ع) هستیم (فراهانی و همکاران، ۱۴۰۱).

سیر تاریخی تشیع

اگرچه دولت صفویه به عنوان عامل اصلی رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در ایران شناخته می‌شود، اما موضوع گرایش مذهبی یک جامعه نیز به مانند دیگر پدیده‌های تاریخی یک موضوع شبکه محور است. عوامل متعددی در یک دوره‌ی زمانی نهصد ساله دست به دست هم داد و شرایطی را فراهم نمود که تشکیل دولت صفویه و اعلام رسمی مذهب تشیع نتیجه و ثمره‌ی آن بود. تکیه‌گاه اصلی این شرایط نفوذ تدریجی اما آهسته و آرام تشیع در ایران از همان قرن اول هجری بوده است. اندکی پیش از سقوط عباسیان تشیع پیشرفت خود را در عراق، شام و ایران آغاز کرده بود؛ با سقوط دولت عباسیان حرکت شیعی در عراق و ایران سرعت بیشتری به خود گرفت. افزون بر این، ظهور تشیع در جهان اسلام به شکل‌های مختلفی خود را نشان داد. یکی از صورت‌های ظهور فکر شیعی در آمیختن آن با تصوف بود. این آمیختگی شاید یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اوج‌گیری تشیع در تمامی بلاد اسلامی به شمار می‌رود. بسیاری از عقاید شیعه به نحله‌های تصوف مسلمان راه یافت و از آنجا که صوفیگری در میان سنیان نفوذ چشمگیری داشت، بطور طبیعی زمینه بسط تشیع فراهم می‌شد. پذیرش تشیع و گرایش به آن در تاریخ ایران یک پدیده‌ی تدریجی و در بستر زمانی به قرن بود. اگرچه رسمیت آن در دوره‌ی صفویه به صورت دفعی رخ داد. صرف نظر از آگاهی ایرانیان از موقعیت و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن و نظر رسول خدا (صل الله علیه و آله) و گرایش قلبی به اهل بیت (علیهم السلام)، برخی از نواحی ایران از همان قرن اول هجری به عنوان پایگاه شیعیان شناخته شده است. قیام مختار و همراهی ایرانیان با وی، کشتار وحشیانه‌ی ایرانیان به وسیله مصعب بن زبیر، جنایات و مظالم آل‌امیه و حجاج بن یوسف موجب همراهی ایرانیان با اهل بیت (ع) و مهاجرت عده‌ای از شیعیان کوفه به ایران شد؛ تا بتوانند بدون دغدغه‌ی خیال و به آسودگی در این سرزمین زندگی کنند. نهضت‌های علویان در دوران عباسیان هم پیوسته رخ می‌داد. یکی از نتایج قطعی این نهضت‌ها پراکندگی علویان در مناطق گوناگون بود؛ چنانکه بعد از قیام محمد نفس زکیه در زمان حکومت منصور و شکست او، نوادگان امام حسن (علیه السلام) در مناطق گوناگون پراکنده شدند. مسعودی، مورخ شهیر، در اینباره می‌نویسد: برادران محمد بن عبدالله (نفس زکیه)، در بلاد گوناگون پراکنده شدند؛ برادرش، یحیی، به ری و از آنجا به طبرستان

رفت؛ برادر دیگرش، ابراهیم، به بصره رفت و در آنجا لشکری از مردم اهواز، فارس و سایر شهرها گرد آورد. همچنین در قرن دوم هجری، حرکت مبلغان بنی هاشم (بنی عباس) به خراسان آغاز شد و مردم زیادی در آنجا به تشیع گرویدند. یعقوبی، مورخ مشهور می‌نویسد: وقتی زید بن علی بن الحسین به شهادت رسید، شیعیان در خراسان به جنب و جوش آمدند و تشیع خود را آشکار کردند. خطیبان آشکارا ظلم و ستم بنی‌امیه بر خاندان پیامبر را باز می‌گفتند. پاره‌ای از مورخان نوشته‌اند در سالی که یحیی (فرزند زید) کشته شد هر طفلی که در خراسان به دنیا آمد، نامش را یحیی نهادند. این موارد نشان می‌دهد که موضوع تشیع از حیث تاریخ، بعد از رحلت پیامبر (ص) شروع می‌شود و در دوره‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی جریان پیدا می‌کند (قدیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

پیشینه تحقیق

پور شفیع و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان رسمی شدن تشیع در دوران صفویه و تاثیرات آن بر فرهنگ و سیاست نتیجه گرفتند که شاهان صفوی با تاکید بر پیوند خود با امام دوازدهم (عج)، خود را نمایان امام معرفی کردند و از این طریق، قدرت سیاسی خود را مستحکم ساختند. نقش علمای شیعه در حکومت افزایش یافت و چهره‌هایی مانند محقق کرکی، شیخ بهایی و علامه مجلسی تاثیر مهمی بر سیاست‌های دینی و اجرایی داشتند. این تغییرات موجب تمرکز قدرت در دربار صفوی شد و حکومت را به یک نظام مذهبی متمرکز تبدیل کرد، در سطح بین‌المللی، رسمی شدن تشیع موجب افزایش تنش‌های ایران با همسایگان سنی مذهب، به ویژه امپراتوری عثمانی و ازبکان شد. جنگ‌های طولانی مدت میان ایران و عثمانی، عمدتاً بر سر اختلافات مذهبی، شکل گرفت و تاثیرات قابل توجهی بر روابط منطقه ای داشت. از سوی دیگر، صفویان برای مقابله با عثمانیان، به سمت برقراری روابط با قدرت دولت‌های اروپایی مانند پرتغال و انگلستان حرکت کردند. این تغییر در سیاست خارجی، ایران بیش از پیش وارد تعاملات بین‌المللی کرد، در حوزه فرهنگی و اجتماعی، رسمی شدن تشیع موجب تحولات گسترده‌ای شد. مراسم عاشورا و عزاداری‌های محرم به آیین‌های رسمی دولتی تبدیل شد و زیارت اماکن مقدس شیعی، مانند حرم امام رضا (ع) در مشهد، مورد حمایت حکومت قرار گرفت. در ادبیات، اشعاری با مضامین عاشورایی و مدح اهل بیت (ع) گسترش یافت و آثار ماندگاری همچون مرثیه‌های محتشم کاشانی در این دوره پدید آمد. همچنین، معماری مذهبی با ساخت مساجد و زیارتگاه‌های شیعی توسعه یافت.

یافته‌های تحقیق لشگری تفرشی (۱۴۰۲) تحت عنوان صورت‌بندی مولفه‌های پدیدارشناختی مذهب تشیع در بر ساخت جغرافیایی هویت ملی ایران در عصر صفوی نشان می‌دهد خوانش حکومت صفوی در این دوره از آموزه‌های مذهب تشیع موجب اعطای مشروعیت و جایگاه معنوی به پادشاهان و از جمله انتساب آن‌ها به امامان شیعی گردید و به دنبال آن امکان محوریت یافتن پادشاه در بر ساخت هویت ملی فراهم آمد. از سوی دیگر، حکومت صفویه با سیاسی نمودن مذهب تشیع، آن را در تضاد با برابر نهاد (آنتی تز) خود قرار داد، به گونه‌ای که در این دوره غیریت‌سازی جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) با حکومت اهل سنت عثمانی و ازبک نیز در مقیاس فراملی در بر ساخت هویت ملی مردم ایران موثر بود.

نتایج تحقیق حزب‌بوی و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان بررسی چگونگی رابطه ساخت قدرت سلطان- فقیه در دوره‌های میانه اسلامی، صفویه و ایران معاصر نشان می‌دهد ساخت قدرت در دوره میانه بر سه گانه خلافت، جماعت و اطاعت استوار بود و خلیفه به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه اسلامی، هم سامان‌دهنده نظم دینی و نظم سیاسی بطور همزمان بود. اما در دوره صفوی، ساخت قدرت از حالت یگانگی دوره میانه خارج شد و نهاد دین در قامت زعامت علما و فقها به موازات قدرت سیاسی به

ایفای نقش در مشروعیت بخشی به سلاطین صفوی بود و به عنوان عاملی مهم در سیاست به تحکیم جایگاه خود در جامعه ایرانی پرداخت؛ قدرت نهاد دینی در دوران پساصفویه تقویت شد و در نهایت در سیر تاریخی خود به صورت عینی در نظریه ولایت فقیه و حاکمیت دینی در ایران درآمد و نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه که در آن دوگانه فقه و سلطنت از بین رفته و ولی فقیه مهم‌ترین منصب حکومت شد؛ شکل گرفت.

یافته‌های مطالعه موسوی و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان تاثیر اندیشه اصلاح‌گرایانه محقق سبزواری در رفتار اجتماعی سلاطین صفویه نشان می‌دهد با ظهور سلسله صفویه، صفحه جدیدی در شیوه حکومت داری و ارتباط با مردم برای تثبیت و توسعه جامعه در آن دوره ورق خورد. سلاطین صفوی با توجه به رسمی شدن دین تشیع و پذیرش آن از سوی مردم، و برای مشروعیت یابی خود و تمسک به قواعد عقلایی و ریشه دار متصل به وحی و نصوص دینی برای اداره کشور به سوی اندیشمندان حوزه‌های علمی شیعه روی آوردند و در مقابل علما نیز این فرصت را برای ارتقای تشیع به سطح اداره سیاسی و اجتماعی کشور تازه استقلال یافته ایران مغتنم شمرده، به نظریه‌پردازی از نوع ولایت و نظارت فقیه بر سلطنت دست زدند. اهمیت این موضوع به این امر باز می‌گردد که سیر صعود و نزول هر تمدن نتیجه ساز کارهای تراکمی، بازتولیدی و انحطاطی شکل گرفته که نظام اجتماعی و سیاسی جوامع، سازنده آن است. در این شرایط محقق سبزواری با ارایه اندیشه اصلاح‌گرایانه رفتار اجتماعی سلاطین صفوی را تقویت و حکومت آنان را تثبیت نمود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر اندیشه‌های کلامی شیعه بر ساختار سیاسی صفویه انجام گرفته است؛ بنابراین در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد که برای بررسی تاثیرات این سبک‌ها از روش توصیفی بهره گرفته شده است. در این تحقیق مبنی بر یک روش سیستماتیک ابتدا اقدام به گردآوری اطلاعات از یافته‌های مقالات، پایان‌نامه‌ها از پایگاه‌های الکترونیکی مگیران، ایران‌داک، سیولیکا، نشریه‌ها و مجله‌های معتبر علمی در این زمینه شده و سپس با تجزیه و تحلیل آن‌ها به بررسی تاثیر بازی‌های ارائه شده بر بیش‌فعالی کودکان پرداخته شده است.

یافته‌ها

ردیف	نویسنده/نویسندگان	موضوع	سال انتشار	یافته‌ها
۱	جیواد، قریشی، یعقوبی و غلام جمشیدی	تشیع در آذربایجان و تاثیر آن بر روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه	۱۴۰۲	آذربایجان با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های اجتماعی در شکل‌گیری هویت ایرانی نقشی داشته است، همسایه بودن این خطه با دولت عثمانی در زمان صفویه موجب نزاع‌های سیاسی و نظامی شد که این درگیری نظامی و کشتار عثمانیان به نوعی روحیه مقاومت را در بین مردم تقویت کرد که اعتقادات شیعی در این امر نقش داشت، بر اساس نظریه گفتمان، گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند، حضور عثمانی به دشمن خارجی

			توانست زمینه غیرت‌سازی گردد و هویت‌های متفاوت را به نفع هویت ملی محو نماید. ادبیات عزاداری تشیع در آذربایجان از آنجایی که مبارزه شدید صفویان با عثمانیان آذربایجان را به میدان جنگ تبدیل کرد، حفظ احساسات ملی - مذهبی کلید بقای دولت نوپای صفوی شد. در این دوره به دلیل رسمی شدن مذهب تشیع در ایران و جنگ‌های طولانی با عثمانی، ادبیات فقه و فرهنگ شیعی روز به روز گسترش یافت. استمرار تقابل دولت صفوی و عثمانی زمینه را برای گفتمان پدید آورد. بنابراین می‌توان گفت که این جنگ‌ها علیرغم پیامدهای ناگواری که سالیان دراز مردم غیور و رنج‌دیده آذربایجان را به دنبال داشت، توانست هویت شیعی - صفوی را در ایران به ویژه در منطقه آذربایجان شکل دهد. علاوه بر این، حکومت صفویه با ایجاد بیگانگی در خارج از مرزهای کشور توانست گفتمان‌های خارجی و مخالف را در گفتمان خود علیه دشمن فرا مرزی متحد کند. در نتیجه باید گفت که این جنگ‌ها باعث گسترش گفتمان شیعه در آذربایجان شد و گفتمان صفویه و شیعه را به هم پیوند داد.
۲	رکابیان و خندان	حدود و ثغور اعمال ولایت فقها در ساختار حکومت صفویه	۱۴۰۱ هویت هر حکومتی در هر کشور به فلسفه‌ی شکل‌گیری تاریخ و پیشینه‌ی مردم آن و نیز وضعیت و همسایگانش مربوط می‌شود. پیدایش قدرت مرکزی سلسله صفویه، فرصتی بود تا پس از سده‌ها خلاء قدرت در سرزمین ایران، استعداد تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و تمدنی اقوام ایرانی شکل جدیدی به خود بگیرد. پس از تشکیل حکومت صفویه ایران اهمیتی بیشتر پیدا کرد و از ثبات و وحدت برخوردار شد و در عرصه جهانی مطرح گردید. در این دوره برای نخستین بار فقها و روحانیان شیعه در روزگار حکومت صفوی به کانون قدرت راه یافتند. نقش علمای شیعی در تقویت دولت و پادشاهان صفوی، مشروعیت دادن به حاکمیت، توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، دینی، آموزشی و همچنین پایه‌ریزی نوعی نگرش سیاسی نسبت به حاکمیت بود و البته برای اولین بار در تاریخ در دروران غیبت امام معصوم (ع) حکومت ولایت فقیه در زمان شاه طهماسب تأسیس‌شد. علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی از شخصیت‌های بزرگ فقه شیعه است که در سیر تکاملی آن نقشی مهم داشت و مخصوصاً در استوار ساختن مبانی فقه کوشش‌های اساسی کرده است که تاثیر بسیار زیادی بر اندیشه فقهای این دوره و تاریخ معاصر ایران بخصوص مرحوم نراقی، میرفتاح حسینی، صاحب جواهر، مرحوم نائینی،

۳	جلیلی کیا، احمدوند، شعبانی صمغ آبادی و زرگری نژاد	رابطه‌ی دین و دولت در عصر صفویه از منظر مقدس اردبیلی	۱۴۰۱	امام خمینی و غیره داشت.
				مقدس اردبیلی همکاری فقها با سلاطین صفوی شیعه غیر شیعه را به طور مطلق ممنوع حرام نکرده و رد نمی‌کند و در توجیه و تبیین مخالفت خودش به دلایل استناد می‌کند و دلایل‌اش از جمله بحث ضرورت تامین امنیت و ثبات و تثبیت مبانی و آموزه‌های ملیت تشیع بود و معتقد بود که هر حکومت در عصر غیبت بر اساس فقه شیعی حکومت جور است ولی بنا به مصالح اسلام و شیعه در صورت لزوم این همکاری با حکومت مجاز است. و از طرفی ایشان منتقد جدی هم نیست، انتقادهای هم معمولاً ساده و با حفظ حرمت اساس دولت صفوی بوده و در واقع یا جرات نمی‌کند یا باور دارد که شاه حریم خاصی دارد و نباید به او چیزی گفته شود که باید تعریف هم باشد. به هر حال دانش ایشان در حوزه فقه کاملاً با ساختار قدرت صفوی مغایر بود. وایشان ضمن ایجاد تنوع در دانش فقه در مشروعیت زدایی از ساختار قدرت نیز موثر بود. ایشان با محور قرار دادن نص، بدون توجه به دگرگونی‌های تاریخی و فقهی گذشته تا حال که عمل می‌کنند و همواره دیدگاه‌های رایج فقهی و تاریخی ساکن و ساکت را در نظر می‌گیرد. و همین موضوع ایشان را از اصولیان نوگرا جدا می‌کند که آن‌ها دگرگونی را یک اصل می‌دانند و همواره به آن توجه دارند و از این رو می‌توان استفاده از متن دینی را سازوار با زمان اینان اصولیون نوگرا به واقعیت زمانه بسیار توجه دارند در حالی که مقدس در گذشته سیر می‌کرده و تفاوت دارند.
۴	حسن پور و ذوالفقاری	جایگاه فقه‌های شیعه در مناسبات دینی و اجتماعی ایران عصر صفویه	۱۴۰۰	صفویه، یک حکومت دینی - شیعی شناخته می‌شود و تصور عمومی چنین است که فقه‌های شیعه در این دوره، قدرت قابل توجه داشته‌اند. این نظر، هر چند رگه‌هایی از حقیقت دارد اما به طور کامل قابل تأیید نیست. در واقع، مناسبات قدرت در دوره صفویه، پیچیده و چندوجهی است؛ به ویژه آنکه فقه‌های شیعه در ابتدای دولت صفوی، علمای مهاجری بودند که به خواست و درخواست ایشان رحل اقامت در ایران افکندند. بنابراین، طبیعی است که تعیین‌کننده میزان نفوذ و قدرت فقها، میزبانان صفوی ایشان بودند؛ هر چند روند شکل‌گیری و تثبیت قدرت و نفوذ اجتماعی فقه‌های شیعه در طول دوره صفویه، صعودی بود و در اواخر به درجه کمال رسید. در مقابل، تداوم مشروعیت خاندان صفوی، در گرو تأییدات علما بود. با این حال، صفویه پایه‌های مستحکم دیگری برای تأمین

				مشروعیت خویش داشتند که در نتیجه، به موازنه قدرت بین گروه‌های اجتماعی منجر می‌شد. بنابراین، تحقق جامعه دینی، به ویژه این انتظار که احکام فقهی در آن جاری باشد، جز در مقاطعی در دوره صفویه محقق نشد و این قدرت و خواست شاهان صفوی بود که مناسبات اجتماعی و میزان اجرای احکام دینی در جامعه را مشخص می‌کرد.
۵	عسگری	واکاوی نقش فرهنگ سیاسی تشیع در شکل‌دهی به وحدت اجتماعی ایران از دوره صفویه تاکنون	۱۳۹۹	نظام اعتقادی شیعه عبارت است از اصول و فروع دین اسلام بر اساس مذهب تشیع. این نظام اعتقادی یکی از ارکان مهم فرهنگ سیاسی شیعه است که عناصر آن به شدت به هم پیوسته و دارای انسجام درونی شدید هستند. فرهنگ سیاسی تشیع اجتماع را زنده، پویا و مسئولیت‌پذیر می‌داند، سعادت افراد را با یکدیگر مرتبط می‌شمارد و بین افراد به صورت حقیقی مساوات و عدالت برقرار می‌کند؛ بعد اجتماعی تشیع و رابطه احکام فردی با احکام اجتماعی یکی از مسائل مهم اجتماع مورد نظر تشیع است. در فرهنگ سیاسی شیعه افراد عضو یک کل هستند و سرنوشت، تحرک، فساد، حقوق، سعادت، حاکمیت، عدالت و آزادی و غیره آن‌ها با همه اعضای این کل گره خورده است. بر این اساس فرهنگ سیاسی شیعه از نظر کارکردی، وحدت‌دهنده و تأثیرگذار بر انسجام اجتماعی است؛ بنابراین به طور کلی می‌توان گفت، کارکرد فرهنگ سیاسی شیعه سنجش میزان انسجام و وحدت‌بخشی اجتماعی است که هر چه میزان آن بالاتر باشد، نتیجه آن افزایش همبستگی بیشتر در یک نظام سیاسی است.
۶	جمشیدی مهر و نساج	تحلیل هرمنوتیکی متون دینی و زمینه سیاسی در حکومت صفویه با تأکید بر نقش فقهای شیعه	۱۳۹۹	حکومت صفویه از لحاظ وسعت سرزمین، یکپارچگی ملی، وحدت سیاست، دیانت و جایگاه تشیع در آن از حکومت‌های خاص پس از اسلام به حساب می‌آید. این حکومت با داشتن زمینه مذهبی صوفیانه، پس از گسترش قدرت خود در سراسر کشور، متوجه جایگاه شرع در مشروعیت خود شد. مذهبی که خیلی زود بخش مهمی از ساختار حکومت صفوی را تشکیل داد و موجبات استمرار آن را فراهم نمود و در واقع حکومت صفویه با انتخاب مذهب تشیع توانست بحران مشروعیتش را در برابر خلافت عثمانی حل کند، مردم را یکپارچه و از هرج و مرج مذهبی میان صوفیان و تسنن جلوگیری کند. همچنین با تشکیل دولت مستقل، یکپارچه، تمام عیار شیعه و حضور فعال علما و فقهای شیعی در آن موجب ظهور مسائل جدیدی شد که علمای اسلام باید به آن‌ها پاسخ می‌دادند. بنابراین در نتیجه تلاش‌های صفویان ساختار دینی شکل گرفت که برای

				ادامه حیات خود نیازمند ساختار سیاسی بود؛ چون بخش اعظم این ساختار، ابداع صفوی و همخوان با برنامه‌های سیاسی آن دولت بود، به ناچار صفویان باید از همه جهات به پشتیبانی آن می‌پرداختند.
۷	آذرکمند	تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضدتقریبی علمای شیعه و سنی بر جامعه ایران دوره صفویه (براساس روش بحران اسپرینگز و مدل تعرضات)	۱۳۹۸	با توجه به چارچوب نظری ارائه شده می‌توان گفت اندیشه‌های ضد تقریبی و تفرقه افکنانه به بی‌نظمی، هنجار شکن، رودررویی، تضاد و تراحم و خصومت در عصر صفوی منجر شد. براساس زیر مجموعه تعارضات در ذیل سه محور جنگ (لشکرکشی میدانی)، واگرایی متوسط (جنگ سرد: فتوای تکفیر و مباحث اندیشه‌ای) و واگرایی خفیف (سب، لعن و ناسزا) این اندیشه‌های ضدتقریبی بیشتر از نوع واگرایی متوسط یعنی همان صدور فتوای تکفیر و کافر دانستن طرف مقابل بوده که این مسئله خصوصاً در بخشنامه‌نگاری علمای شیعه و سنی نمایان است. رسول جعفریان، درباره وضعیت بغرنج شیعیان بیرون از قلمرو صفویه بر این باور است افراط‌گرایی مذهبی در داخل ایران و باز بودن دست آن‌ها در طعن بر مخالفان در برافروزی آتش جنگ مذهبی مؤثر بود. ردپای اندیشه‌های ضد تقریبی و غلظت خصومت فضای اختلافات مذهبی در عصر صفوی - عثمانی از مقایسه میان آراء و فتاوی علمای بزرگ اهل سنت مثل فضل الله بن روزبهان خنجی، علمای ماوراءالنهر در جواب عریضه صلحا و نقبای مشهد و فتوای نوح افندی قابل مشاهده بود.
۸	خاتون کردی و کردی	نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه	۱۳۹۵	دولت صفوی سنگ بنا؛ سیاست و مذهب را بنیان نهاد. مناصب حکومتی و سیاسی خاص علماء و سادات در دربار؛ رابطه تنگاتنگی را بین حکومت و طبقه روحانیت موجب گردید. علماء که اکثراً از سادات و غیره دارای منزلت اجتماعی بودند؛ دارای مناصبی چون صدر؛ شیخ الاسلام؛ ملا باشی قاضی؛ کلانتر؛ ونقیب گردیدند. بعضی از این مناصب خاص سادات بود. تدوین قوانین و مقررات جامعه طبقاتی صفویه؛ برای شهروندان (در آن زمان همه کسانی که در ایران زندگی می‌کردند رعیت شاه محسوب می‌شدند) با فتوا نوشته می‌شد. علماء تدوین‌گران حقوق مردم و ناظر بر اجراء احکام صادره بودند که از تولد تا پایان مرگ را در بر گرفت. بدین ترتیب علما با حقوق شهروندی مردم ارتباطی مستقیم داشتند و در برابر قدرت مطلقه می‌توانستند مدافعان حقوق رعیت باشند. اعلام سیادت صفویه و علائق مذهبی آنان؛ و ازسویی علاقه و تأیید حکومت از سوی بسیاری از علماء و دادن مشروعیت

				مذهبی به صفویان؛ طبقه رو حانیت و حکومت را آنقدر به هم نزدیک کرد که گویی نیمی از درخت حکومت مقتدر صفویه می‌باشند. علماء از ارکان مهم فرهنگی و اقتصادی دولت بودند. به طوری که در بعضی از ادوار قدرت نفوذ علماء بر شاه از همه لشکریان و درباریان دیگر بیشتر می‌گردید. تعداد علماء ایکه در این عصر به مناصب حکومتی وارد نشدند، انگشت شمار می‌باشد.
۹	زندیه، جعفری و حسین شاه ترابی	پیامدهای برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در دوره صفویه	۱۳۹۲	برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در قلمرو صفویه به استقلال سیاسی صفویان و مشروعیت‌بخشی به حکومت آن‌ها انجامید و توانست مردم را در قلمرو حکومت صفویه متحد و آن‌ها را از ملت‌های همسایه خود که سنی مذهب بودند، جدا کند و کار کرد تشابه‌سازی در سطح ملی و تمایزبخشی از ملت‌های همسایه را داشته باشد. در مقابل، برخی از این آیین‌ها و اجزای آن‌ها دستاویزی شد برای تنش‌ها و رقابت‌های سیاسی پیوسته‌ی عثمانی‌ها، گورکانیان و ازبکان با صفویه. برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در قلمرو صفویه و اهتمام پادشاهان صفوی به آن، علاوه بر پیامدهای سیاسی بیان شده، موجب گسترش کمی و کیفی آیین‌های مذهبی شد و درعین حال، پیامدهای فرهنگی و مذهبی مشخص و خواسته و ناخواسته‌ای داشت که گسترش آیین‌های مذهبی، رسوخ آیین‌های مذهبی در فرهنگ عمومی، ورود آرایه‌ها در آیین‌های مذهبی و شدت گرفتن تنش‌های کلامی از آن جمله‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

حکومت صفویه در سال ۹۰۷ قمری در ایران توسط شاه اسماعیل صفوی تاسیس گردید. در این دوره یکپارچگی کشور با سرکوب حکومت‌های ملوک الطوایفی صورت گرفت که به دنبال آن شاه اسماعیل بر تخت پادشاهی نشست. از دستاوردهای مهم این دوره می‌توان به رسمی شدن مذهب شیعه، اهمیت به علم و دانش و پرورش دانشمندان بزرگ و توسعه هنر و معماری اشاره کرد. دوران حکومت سلسله صفویه در ایران یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی پس از اسلام است. صفویه، نخستین سلسله ایرانی تبار پس از ۹۰۰ سال از سقوط ساسانیان، توانستند بر ایران مسلط شوند و پادشاهی را احیا کنند. در ساختار اجتماعی صفوی، شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و تمامی امور کشور به دست او اداره می‌شد. پس از شاه، وزیر و سپس علما قرار داشتند. طبقات اجتماعی به ترتیب شامل پادشاه و دربار، علما، زمین‌داران و بازرگانان، و در نهایت پیشه‌وران و کارگران بودند. سلسله صفویه در ایران مظهر نخستین حکومت دینی و ملی ایران بود و در این دوره، هویت ملی برای دولت و مردم ایران پس از سال‌ها دوباره احیاء شد و از سقوط دولت ساسانی تا روی کار آمدن دولت صفویه، ایران به لحاظ جغرافیای سیاسی و از نظر قلمرو و تمامیت ارضی، فاقد شاخص‌های تعیین کننده‌ای بود. چنانچه گفته شد پس از نزدیک نهمصد سال از سقوط امپراطوری ساسانی این صفویان بودند که یک دولت متمرکز ایرانی و یک دولت ملی را پایه‌گذاری کردند؛ دولتی که تا امروز تغییر مذهبی کلانی در آن پدید نیامده است. از جمله مهم‌ترین تغییرات در نظام حقوقی عصر صفوی، رسمیت یافتن فقه امامیه بود. با توجه به اهمیت تشیع در دوره صفویه ما در این تحقیق به بررسی تاثیر اندیشه‌های کلامی شیعه بر ساختار سیاسی صفویه می‌پردازیم. نتایج بدست آمده از بررسی یافته‌های مقالات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های الکترونیکی حاکی از آن است که دولت صفویه از همان دوران اول شکل‌گیری، تشیع را محور حکومت خود قرار داد و شاهان در پی آن بودند تا با رسمیت یافتن مذهب شیعه، بتوانند تعاملی میان نهاد سیاسی و نهاد مذهبی به وجود آورند. وجود این تعامل و برخی اندیشه‌های بیان شده توسط روحانیان سبب شد که حکومت بتواند در درگیری‌ها از هرج و مرج جلوگیری به عمل آورد؛ ولی در مقابل افرادی بودند که مخالف این امر بودند و این رابطه را بی‌اثر می‌دانستند. همانطور که زندیه و همکاران (۱۳۹۲) طی تحقیقی بیان کرده‌اند که برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در قلمرو صفویه به استقلال سیاسی صفویان و مشروعیت‌بخشی به حکومت آن‌ها انجامید و توانست مردم را در قلمرو حکومت صفویه متحد و آن‌ها را از ملت‌های همسایه خود که سنی مذهب بودند، جدا کند و کار کرد تشابه‌سازی در سطح ملی و تمایزبخشی از ملت‌های همسایه را داشته باشد. در مقابل، برخی از آیین‌ها و اجزای آن‌ها دستاویزی شد برای تنش‌ها و رقابت‌های سیاسی پیوسته‌ی عثمانی‌ها، گورکانیان و ازبکان با صفویه.

منابع

- آذرکمند، احسان (۱۳۹۸). تاثیرات سیاسی اندیشه‌های ضدتقریبی علمای شیعه و سنی بر جامعه ایران دوره صفویه (براساس روش بحران اسپریکنز و مدل تعرضات). سیاست متعالیه، ۷(۲۶)، ۲۵۱-۲۷۰.
- پورشفیغ، مهدی؛ دادجو، علی؛ یوسفی، امیرحسین و صمدی، میلاد (۱۴۰۳). رسمی شدن تشیع در دوران صفویه و تاثیرات آن بر فرهنگ و سیاست. اولین همایش بین‌المللی پژوهش‌های تحول آفرین افسران پیشرفت ایران.
- جلیلی کیا، مهرداد؛ احمدوند، عباس؛ شعبانی صمغ‌آبادی، رضا و زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۴۰۱). رابطه‌ی دین و دولت در عصر صفویه از منظر مقدس اردبیلی. ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۰)، ۶۲۶-۶۴۷.
- جمشیدی مهر، پرویز و نساج، حمید (۱۳۹۹). تحلیل هرمنوتیکی متون دینی و زمینه سیاسی در حکومت صفویه با تاکید بر نقش فقهای شیعه. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۷(۲۶)، ۳۵-۵۶.

- جیواد، سید سعید؛ قریشی، سید حسن؛ یعقوبی، محمدطاهر و غلام جمشیدی، محمد صادق (۱۴۰۲). تشیع در آذربایجان و تاثیر آن بر روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی براساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه. مجله فقه و تاریخ تمدن، ۹(۳)، ۱۱-۱۹.
- حزبای، قاسم؛ فلاح‌نژاد، علی و قاسمیان، علی (۱۴۰۲). بررسی چگونگی رابطه ساخت قدرت سلطان- فقیه در دوره‌های میانه اسلامی، صفویه و ایران معاصر. نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۷(۶۳)، ۱۲۹-۱۵۰.
- حسن‌پور، محمدمحسن و ذوالفقاری، مهدی (۱۴۰۰). جایگاه فقه‌های شیعه در مناسبات دینی و اجتماعی ایران عصر صفویه. فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام، ۲۲(۸۷)، ۲۱۹-۲۴۸.
- حسنی، مجید (۱۳۹۹). نقش علامه مجلسی در سیاست‌های مذهبی عصر صفوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام.
- خاتون کردی، زینب و کردی، طاهره (۱۳۹۵). نقش سادات و علما در حقوق شهروندی عصر صفویه. نشریه حقوق ملل، ش ۲۳، ۸۰-۶۵.
- ذوالفقاری، سعید (۱۳۹۹). بررسی دعاوی صفویان با عثمانی‌ها بر سر مشروعیت با تکیه بر مکاتبات ایشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک.
- رکابی‌ان، رشید و خندان، سیروس (۱۴۰۱). حدود و ثغور اعمال ولایت فقها در ساختار حکومت صفویه. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۶(۲)، ۱۸-۱.
- زنده، حسن؛ جعفری، علی‌اکبر و حسینی شاه ترابی، مرتضی (۱۳۹۲). پیامدهای برگزاری آیین‌های مذهبی شیعه در دوره صفویه. مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۳، ۳۷-۵۶.
- سیستانی شمس‌آبادی، زهرا (۱۴۰۱). تاثیر مهاجرت علما بر گسترش تشیع در دوره صفویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان خراسان رضوی.
- صفائی قله زو، موسی (۱۴۰۰). بررسی تاثیر وضعیت دینی و فرهنگی جامعه تیموریان بر شکل‌گیری حکومت صفویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان خراسان رضوی.
- عسگری، احسان (۱۳۹۹). واکاوی نقش فرهنگ سیاسی تشیع در شکل‌دهی به وحدت اجتماعی ایران از دوره صفویه تاکنون. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۲۴، ۱۰۵-۱۲۸.
- علیشاهی، فرزانه (۱۳۹۹). بررسی میزان اثربخشی تشیع بر نظام دیوانی صفویان؛ (از شاه صفی تا پایان این سلسله ۱۰۳۸-۱۱۳۵ ه.ق). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان خراسان رضوی.
- فراهانی، محمدمتین؛ بهنیا، احمدرضا و پورقصاب امیری، علی (۱۴۰۱). نقش شاهان صفویه در ایجاد و تحول ساختار و نظام سیاسی- حکومتی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌المللی، ۱۲(۳)، ۳۳۵-۳۵۹.
- قدیمی، تورج؛ کاظمی ارشد، منیره؛ قره‌داغی، معصومه و صدری، منیژه (۱۳۹۹). بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفویی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶(۵۱)، ۱۰۹-۱۲۷.
- کریمی، افشین و امیری، علی (۱۴۰۰). کارکرد هویتی مذهب در عینیت بخشیدن به مرزهای جغرافیایی ایران در عصر صفوی. نشریه علوم و فنون مرزی، ۱۰(۱)، ۱۷۱-۲۰۴.
- لشگری تفرشی، احسان (۱۴۰۲). صورت‌بندی مولفه‌های پدیدارشناختی مذهب تشیع در بر ساخت جغرافیایی هویت ملی ایران در عصر صفوی. فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۸۲، ۳۷-۶۲.
- مردانی، ابراهیم (۱۴۰۳). بررسی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی عالمان خوزستان از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان.
- مشیرنژادی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). مطالعه‌ی تطبیقی نقش و جایگاه علمای شیعه در دوره صفویه و قاجار با تاکید بر سفرنامه‌های اروپاییان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.

موسوی، رئوف؛ قره داغی، معصومه و صادقی، مقصود علی (۱۴۰۱). تاثیر اندیشه اصلاح‌گرایانه محقق سبزواری در رفتار اجتماعی سلاطین صفویه. نشریه تغییرات اجتماعی- فرهنگی، ۱۹(۲)، ۱۸۷-۲۰۴.

میرزاده، سید محمدعلی (۱۴۰۱). نقش متولیان مذهبی و فرهنگی در بحران‌های زیستی عصر صفوی با تاکید بر نقش سید نعمت الله جزایری. نشریه فرهنگ و پژوهش، ۱۵(۵۲)، ۱۶۳-۱۸۲.